



”
حسینی مدام
در روستاها
حضور داشت
و از طرفی
با وجود
مسئولیت
جهاد زرآباد،
خلق و خوی
پشت
میزنشینی
نداشت.
حتی بیشتر
نامه‌ها پیش را
بجای میز کار
روی کاپوت
پاترول زرد امضا
می‌کرد

از اینکه محمد فدایی در اردیبهشت سال ۱۳۶۰ از جهاد زرآباد رفت، حاج احمد تا بهمن ۱۳۶۱ مسئول جهاد زرآباد بود. باهوش به این علت که به زبان بلوچی ظرف چند ماه حضور در منطقه مسلط شده بود و درست مثل اهالی زرآباد صحبت می‌کرد. با پوشیدن یک دست لباس بلوچی و همچنین با بستن شال بلوچی دور سرش بعلاوه لهجه بلوچی، هرکس او را می‌دید تصور می‌کرد حاج احمد واقعاً بلوچ اهل زرآباد است.

مردم عادی و ریش سفیدها با شنیدن صحبت‌های قاچاچی‌ها به دفتر جهاد مراجعه می‌کنند و با ابراز دوستی و علاقه‌شان به حاج احمد، به او هشدار می‌دهند که از زرآباد برود چون یک عده ممکن است به جان بچه‌های جهاد سوء قصد کنند. ولی حاج احمد با وجود تنها بودن در دفتر جهاد زرآباد به علت مرخصی سایر اعضای جهاد، در حالیکه فقط ۲۱ سال داشته است با شجاعت تمام در جواب آنها می‌گوید: خدا یک بار به من جان داده و یک بار هم آن را می‌گیرد، هرچه می‌خواهد بشود بشود من از هیچ‌کس ترس و وا همه‌ای ندارم. دو هفته از حمله سارقین به جهاد گذشته بود و حاج احمد پس از گذراندن دوره درمان مجروحیت پاهایش در زاهدان به زرآباد برگشته بود. خبر بازگشت او زمانی در کل منطقه پخش شد. دسته دسته اهالی

توان جرثقیل‌ها به کمک بولدوزر و در عین حال دعای مردمی که با چشم‌انسان مخزن را به سمت بالا هدایت می‌کردند، بالاخره مخزن در محل مورد نظر قرار گرفت. پایه‌های مخزن که روی زمین ثابت شد بار سنگینی از روی

بچه‌های جهاد برداشته شد. بچه‌های جهاد و مردم، قدرت توکل به خداوند را از نزدیک با چشمان خود دیدند همه از شدت خوشحالی به هوا پریدند و این بار برخلاف مخزن آنها روی زمین نبودند.

برخلاف من که مجبور به فعالیت در دفتر جهاد بودم، حسینی مدام در روستاها حضور داشت و از طرفی با وجود مسئولیت جهاد زرآباد، خلق و خوی پشت میزنشینی را نداشت؛ حتی بیشتر نامه‌هایش را به جای میز کار روی کاپوت پاترول زرد امضا می‌کرد. خیلی منتظر رسیدن بودجه از استان نمی‌ماند تا پروژه‌ای در زرآباد اتفاق بیفتد، درواقع با همان ابزاری که در اختیار داشت یکسری اقدامات اولیه و ضربتی را تا موقع رسیدن اعتبار انجام می‌داد تا مشکل و گرفتاری مردم به صورت موقت حل شود تا بعداً با تصویب بودجه آن را به صورت کامل حل کند.

حاج احمد یگانه مقدم اهل کاشان، بسیار باهوش و باسواد بود. بعد

